



● این دریافت که هزاران سال قبل شخصی زندگی می‌کرده که توانسته با ظرافت و هنری خاص ایمان و احساس خود را بیان کند، امری تکان‌دهنده و هیجان‌انگیز است.

تیرداد همپارتیان

نقش برجسته آخناتون، ملکه نفرتی تی و یکی از دخترانشان (دعای نیلوفر)

می‌بینیم - بدون به‌نمایش گذاشتن پیکره‌ای انسانی برای او - که انوار رحمت بی‌دریغ خود را شامل شاه آخناتون، ملکه نفرتی تی و یکی از هفت دختر آن‌ها می‌کند، و شاه و ملکه و فرزند آن‌ها در برابر مذبح قرار گرفته‌اند و خالصانه قربانی و هدایای خود را تسلیم این خدای بخشنده و کریم می‌کنند.

در این نقش برجسته آتون (خدای خورشید) در بالاترین حد تصویر قرار دارد و چون کره‌ای گرم و سوزان به نظر می‌رسد و با آنکه حجم کاملی را از یک کره شاهد نیستیم، اما فرم کروی و گرد خورشید ر به‌خوبی احساس می‌کنیم. در اکثر تمدن‌های اولیه خورشید و فرم کروی آن مدنظر هنرمندان بوده و این امر علاوه بر باوری که از نظر مذهبی نسبت به آن داشتند باعث تأثیر شدید آن بر آثار این هنرمندان شده است. و در آثار آن‌ها از واقع‌گرایانه‌ترین فرم‌ها تا انتزاعی‌ترین طرح‌های «خورشید» را شاهد هستیم. به‌خصوص در تمدن بین‌النهرین این قبیل طرح‌ها رواج و رونق کامل داشته است. اما در مصر و به‌خصوص در عصر شاه آخناتون، خورشید از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار شد. خورشید در این زمان نماد و تصویر خدای یگانه و واحدی

این شهر مقدس را در مکانی که امروزه به‌نام «تل العمارنة» (EL-AMARNA) مشهور است یافته‌اند.

فرعون آخناتون دست هنرمندان و صنعت‌گران را برای تزئین این شهر جدید کاملاً بازگذاشت و آنان را از تمامی قید و بندهای هنر دربار رها کرد. او تنها چهره‌پردازی و اندام‌نگاری «آتون» را ممنوع کرد. زیرا بنابه اعتقاد او خدایی حقیقی و ازلی هیچ صورتی و پیکری ندارد. در عوض دست هنرمندان را در واقع‌پردازی و تصویر کردن واقعیت عینی اشیاء و نمایش صحنه‌های عادی و روزمره از شاه و درباریان آزاد گذاشت. در واقع او به‌هنرمندان این امکان را داد که برای نمایش کهن الگوهای باستانی از زبان و بیان تازه‌ای استفاده کنند. این آزادی در عمل و رهایی از قید و بندهای خشک باعث شکوفایی ناگهانی هنر در عصر این فرعون نوآور گردید.

یکی از این قبیل آثار - آثاری که بر چهارچوب کهن الگوهای باستانی استوار است اما برای بیان از زبان تازه‌ای استفاده می‌کند - نقش برجسته آخناتون، ملکه نفرتی تی و یکی از دخترانشان است. (تصویر شماره یک)

در این تصویر آتون یا خدای خورشید را

آمنحوتپ چهارم فرزند آمنحوتپ سوم شاید یکی از جنجالی‌ترین فراعنه سلسله هجدهم مصر باشد. او از سال ۱۳۷۰ ق. م تا ۱۳۶۰ ق. م پسرزمین مصر حکومت کرد. این فرعون حاکمی اصلاح‌گر و نوآور بود که دین و عقیده‌ای تازه برای مردم مصر به‌ارمغان آورد. او پادشاهی صلح‌جو، مهربان و شاعر مسلک بود.

خدای برتر مردم و پادشاه مصر تا به حکومت رسیدن آمنحوتپ چهارم، «آمون» بود. اما این فرعون پرستش خدای قدیمی و تقریباً فراموش شده‌ای را دوباره در مصر رایج کرد. این خدای آتون نامیده شد، و فرعون آمنحوتپ چهارم نیز نام خود را به «آخناتون» به‌معنی (آتون راضی است) تغییر داد.

او سعی کرد تمامی آثار و حتی نام آمون را از سنگ نبشته‌ها و نقش‌برجسته‌ها حذف کند. این امر باعث بروز یک رشته اختلافات ریشه‌دار میان او و کاهنان آمون شد. زیرا آتون خدایی یکتا و واحد بود و پرستش دیگر خدایان از دید آخناتون کفر مطلق به حساب می‌آمد. بر اثر همین اختلافات آخناتون پایتخت خود را از «طیس» نجس به شهری جدید به‌نام آختاتون (شهر افق آتون) تغییر داد. پژوهشگران اروپایی خرابه‌های

بوده است. در حقیقت آخناتون برای به تصویر کشیدن ذهنیت خدای واحد در اذهان توده مردم نماد آتون یا خورشید را برگزید. مردم مصر قرن‌ها خدایانی را می‌پرستیدند که به نوعی برای آنها جسمیت داشت و آخناتون مجبور بود برای خدای خود نمادی را برگزیند والا خدای او هیچ جایگاهی میان مردم نمی‌یافت، هرچند که برای مصریان هیچ گاه آتون به اعتبار آتون نرسید. در قسمت پایینی فرم کروی شکل آتون با شکلی همانند مواجسته هستیم که آتون بر روی آن قرار گرفته چونان گلی که از ساقه می‌روید. (آیا این فرم خلاصه شده‌ایی از لوتوس آبی نیست؟) این فرم خاص در مصر همانند حلقه قدرت در نقش برجسته‌های هخامنشی و ساسانی است. و نمادی از قدرت و فره ایزدی است. حلقه قدرتی که آتون بر آن جلوس کرده و ضخیم‌تر از حلقه‌های قدرت دیگر این نقش برجسته است.

بر روی آتون در رأس حلقه قدرت فرم کوچکی به نظر می‌رسد که با کمی دقت به آن «هورس» (خدا - نماد آسمان و تجسم دیگر خورشید) خدای باز و نمادی دیگر از خورشید را می‌بینیم. و نمادی دیگر از شکوه و اقتدار آتون است.

این دو نماد در کنار هم (خورشید و عقاب یاباز) نقش اساسی در نمادهای بشری ایفا می‌کنند. و بیان‌گر قدرت تمام باشکوه و جلال است. نیچه فیلسوف قرن ۱۹ آلمان تنها راه نجات و رستگاری جهان را در وجود انسان برتر می‌دید، این دو علامت را نشانه ظهور انسان برتر و همیشه همراه او می‌دانست. و در کتاب چنین گفت زرتشت او مبحث کاملی از این دو نماد را می‌توان یافت.

پس آخناتون و خانواده‌اش در زیر سایه این دو نماد هستند. و نزد او از ارج و قرب بیشتری (نسبت به دیگران) برخوردارند.

● نکته جالب توجه دیگر در پیکره ملکه نفر تی تی پوشش و آرایش خاص اوست.

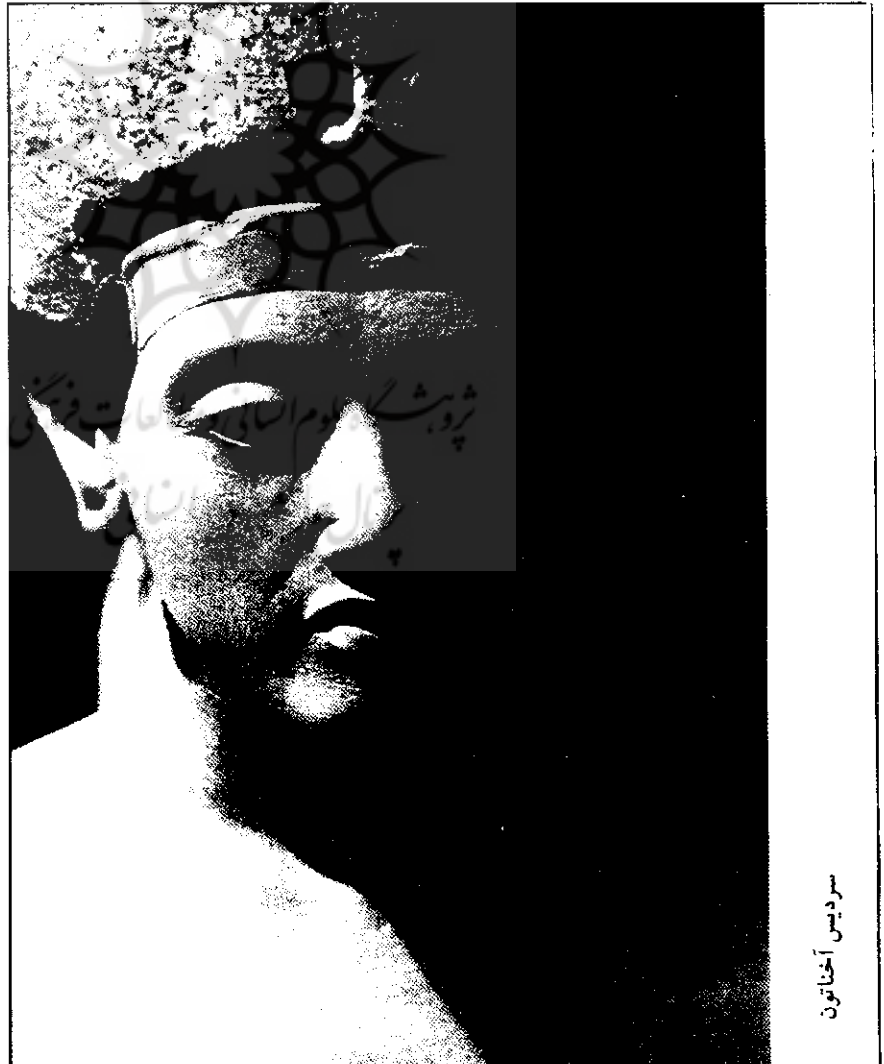
آتون در پرتو چهارده (۱۴) شعاع نورانی خود، فرعون و خاندان او را احاطه کرده است. این زوبینه‌های نور مثلث متساوی‌الاضلاعی را به وجود آورده که به طرز جالبی یادآور اهرام است. اصولاً فرم‌های هرمی (و مثلثی) برای هنرمندان مصر جالب بوده است. هیچ کدام از این ۱۴ شعاع یک اندازه نیستند و در انتهای هر کدامشان نیم رخ کف‌دستی دیده می‌شود که چهار انگشت آن در یک امتداداند و تنها انگشت شست به‌طور مجزا دیده می‌شود.

پنج پرتو از این شعاع‌های نور بر روی سر فرعون و خانواده او می‌تابند. در دست دو تا از این شعاع‌ها، حلقه قدرت دیده می‌شود که یکی برای فرعون آخناتون و دیگری برای ملکه او نفر تی تی است.

شعاعی که حلقه فرعون را در دست دارد از همه کوتاهتر است. شاید این امر نمادی است برای نزدیکی و قرب بیشتر فرعون به آتون در مقایسه با دیگر اعضای خاندان سلطنتی. شعاع یکی مانده به آخر حلقه قدرتی را به ملکه می‌دهد و شعاعی دیگر با دست خود هدایای ملکه را می‌پذیرد.

نُه (۹) شعاع دیگر به سمت میز قربانگاه مایل شده‌اند و به سوی دسته گل‌های نیلوفر که روی میزها قرار دارند، رفته‌اند.

تمامی این شعاع‌ها نیم تنه فرعون را دربر می‌گیرند که شامل: سر، کلاه، دست‌ها، تنه و هدایای اوست. به عبارت دیگر آتون، فرعون را در سایه و حمایت بلافصل خود قرار می‌دهد. و او را چون فرزندی (پسر آتون) در آغوش گرفته است. این توجه و حمایت برای منکه و فرزندان اتفاق نیفتاده است. آن‌ها تنها زیر سایه آتون قرار دارند نه در آغوش او. به عبارت دیگر تنها فرعون آخناتون است که ذات و سرشتی آتونی دارد. مسیان اولیسن و آخرین اشعه ۱۳ مثلث متساوی‌الساقین وجود دارد که با مثلث اصلی و ما در (۱۴) مثلث می‌شوند. - در مورد فرم مثلث در این نقش برجسته مفصل‌تر بحث خواهد شد - به نظر می‌رسد این تکرار فرمی، به‌القای مفهوم



سر دین آخناتون



● شاید بتوان گفت پیکره آخناتون از نظر جنسیت حالتی دوجنسی دارد.


مهربان و گوش بزرگ و مشخص و شنوا. روی هم رفته دیگر در چهره فرعون از صلابت و خشکی قراردادی خبری نیست و به جای آن حزنی روحانی و معنوی آسمانی جایگزین شده است. و سر نسبتاً بزرگ فرعون برگردنی باریک و شکننده قرار گرفته است، گویی گردن توانایی نگه داشتن سر را ندارد و تا اندازه‌ای خم شده است. کلاه آخناتون و سسوستریس اول یکی هستند (کلاه ویژه مراسم قربانی؟) اما حتی کلاه آخناتون نیز از نرمی و کشیدگی بیشتری برخوردار است. حتی مار روی کلاه این دو با هم تفاوت

فرعون از خشکی و صلابت خاصی برخوردار است. ران‌های فرعون از پس پارچه هیچ انحنا و نرمی ندارند و چهره او چهره‌یی قراردادی برای فراعنه است (صورت نیم رخ، چشم تمام رخ، فک و چانه پهن). همچنین در پای او هیچ پاپوش و کفشی نیست.

در این تصویر خدای نقش شده چهره و اندامی انسانی دارد و رودرروی فرعون قرار گرفته و فرعون در حال تقدیم هدایای خود به اوست.

اما در نقش برجسته شماره یک، آخناتون پیکره‌ای لطیف و پر از انحنای نرم و سبک دارد. سرکشیده و بلند است (مشخصه خاندان سلطنتی فرعون) و چهره با وجود رعایت کلی کهن الگو یعنی صورت نیم رخ و چشم تمام رخ از احساس و حالتی شاعرانه و بیانگری قوی برخوردار است: چشمانی خمار و رویایی، بینی باریک، لبان کلفت و خوش فرم، چانه باریک و

محافظت و در کنف حمایت بودن خاندان سلطنتی توسط آتون تاکید می‌کند.

همانطور که گفته شد در انتهای هر شعاع آتون کف دستی قرار دارد. شکلی که چهار انگشت دست و انگشت شست ایجاد کرده‌اند، نرمی چشم مانند است (). این فرم می‌تواند گویای این مطلب باشد که: آتون همه چیز را می‌بیند و به همه چیز آگاهی تام دارد. تلفیق فرم دست با چشم نشانه جالبی است برای بیان این موضوع که آتون با آگاهی، بینش و دیدی کامل هرکاری را انجام می‌دهد.

همچنین قبلاً نیز اشاره شده که شعاع‌ها فرم هرمی را می‌سازند، گویی خاندان سلطنتی در یک فضای هرمی شکل قرار دارند، و آتون نیز از رأس این هرم بر آن‌ها می‌تابد و آنان را مشمول مهر و محبت خود می‌سازد. در این نقش برجسته شاهد تصویر بنا یا مکان معماری نیستیم، اما این فرم هرم مانند ناخودآگاه ما را در فضایی هرم‌گونه قرار می‌دهد. که این فرم نزد مصریان حجمی کامل و استوار و مقدس بوده است.

و اما پیکره خود فرعون آخناتون (آمنحوتب چهارم)، در این نقش برجسته فرعون کاملاً به صورت نمادین مانند اسلاف خود به تصویر کشیده شده، با وجود آنکه در دوره این فرعون رئالیسم و به نوعی ناتورالیسم در هنر رونق و رواج فراوانی یافت. مانند تصویر شماره دو که سردیسی از چهره آخناتون است و می‌توان آن را چهره واقعی آخناتون قلمداد کرد. او در تصویر شماره یک فرعونی است دارای چهره و اندامی نمادین و تقریباً مطابق با کهن الگوی خاص پیکره فرعون. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد تغییرات زیربنایی و خاص در همین کهن الگوها و قراردادهاست که در زمان آخناتون روی می‌دهد.

در تصویر شماره یک، به خصوص پیکره فرعون آخناتون از انحنا و پیشش فراوانی برخوردار است، که نقش برجسته‌های اسلاف او از این ویژگی برخوردار نیستند (تصویر شماره سه). در تصویر شماره سه شاه سسوستریس اول [sesostris I] را در برابر یکی از خدایان می‌بینیم. قدرت و نیرو در اندام قوی و استوار این فرعون به خوبی نمایان است. ساق‌های ضخیم و پهن، شکم فراخ و عضلانی، بازوهای عریض و توانا و گردن ستبر، مچ دست و پای پهن و قوی، نشانه این قدرت هستند. حتی پارچه پوشاننده اندام



نقش برجسته آخناتون، ملکه و دخترشان

دارند. مار کلاه آخناتون باریک و شکننده است ولی مار کلاه سسوستریس اول واضح، مشخص و قوی است.

شانه فرعون آخناتون با وجود عریض بودن دارای انحنا و نرمش خاصی است که به‌دو بازوی ظریف و زنانه ختم می‌شود. هر بازو نیز به‌ساعدی ظریف و شکننده؛ که در میچ و دست باریک به آن متصل‌اند.

فرم حرکت دست‌ها برای تقدیم هدایا در هر دو نقش برجسته یکی است، اما حرکت دست آخناتون پراحساس و نرم‌تر از نقش برجسته سسوستریس اول است. بر روی بازوان آخناتون دو نوشته مهر مانند چون بازوبندی قرار گرفته. در اینجا نوشته به‌عنوان زینت بصری به‌کار رفته است. همچنین از کشیدگی بازوها کاسته و ظرافت آن‌ها را چند برابر کرده است. این تزئینات نوشتاری بر سطح سینه و ساعدها تکرار شده است.

سینه، کمرگاه و باسن نقش برجسته آخناتون بیش از اندازه نرم و منحنی است و حالتی کاملاً زنانه دارد. همچنین ران‌ها از ورای پوشش خود گوشت‌آلود و چاق به‌نظر می‌رسند. برخلاف نقش برجسته سسوستریس اول ساق‌ها نیز بسیار کشیده و باریک و شکننده‌اند، گویی به‌سختی تحمل وزن بالاتنه را دارند. شاید بتوان گفت این ساق‌ها چون ساقه‌های گلی است که به‌سختی توانایی تحمل وزن خود گل را دارد. توجه به‌پاها نیز حائز اهمیت است که توسط کفشی صندل مانند پوشیده شده‌اند و شاه و ملکه هر دو به‌پا دارند. اما در نقش برجسته سسوستریس اول، فرعون با پای برهنه در مراسم تقدیم قربانی حضور دارد و کفش‌های زمان آخناتون هنوز رایج نشده بودند.

فرم تن‌پوش دامن مانند آخناتون نیز ساده‌تر و کم تزئین‌تر از تن‌پوش سسوستریس اول است. و دارای چین‌های لطیف و منحنی است که

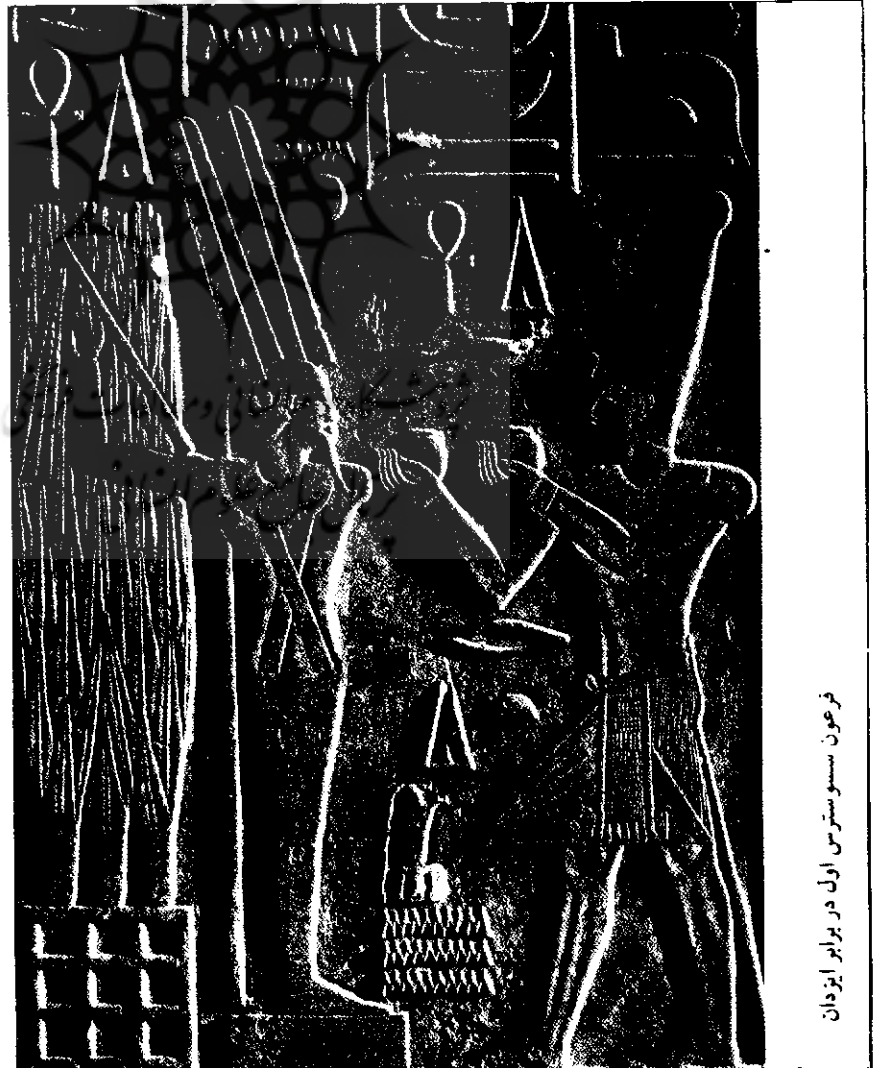
به‌نرمی و حرکت فرم ران و شکم کمک می‌کند. اما در نقش برجسته سسوستریس اول لباس فرعون فرمی هندسی و خشک دارد، و چین‌های آن خشک، قراردادی و یکنواخت هستند.

در نقش برجسته شماره یک کل اندام فرعون آخناتون از کشیدگی و ظرافت خاصی برخوردار است که نقش برجسته‌های قدیمی‌تر از آن برخوردار نبوده‌اند.

همچنین در این نقش برجسته فرعون از قداست، نرمش و معنویتی زیبا و متعالی برخوردار است و همانطور که گفته شد، خدای او دیگر تجسمی انسانی ندارد بلکه تجسمی معنوی‌تر و دست نیافتنی‌تر دارد (البته نسبت به‌نقش برجسته شماره سه). پس می‌بینیم که در دو نقش برجسته بایک موضوع و یک هدف و برای بیان یک کهن‌الگوی خاص چقدر تفاوت ایدئولوژیکی و جهان‌نگری وجود دارد.

آخناتون در برابر خدای خود صمیمی‌تر، خشنودتر و کم‌توقع‌تر است. و در مقابل، خدای او جهان شمول‌تر، دست‌نیافتنی‌تر و بزرگ‌وارتر است.

شاید بتوان گفت پیکره آخناتون از نظر جنسیت حالتی دوجنسی دارد. فرم‌های نرم و پیمان پیکره او به‌خصوص در قسمت‌های شکم، ران‌ها و باسن و ساق‌های نازک حالتی زنانه و مادینه دارد. و تنها از حالت ایستا، روحانی، پوشش، کلاه، درشتی پیکر او نسبت به‌سایر پیکره‌ها و همچنین پرداخت نسبتاً دقیق‌تر تزئینات و ریزه‌کاری‌های اندام اوست که (بدون در نظر گرفتن نوشته‌های نقش برجسته) در می‌یابیم که با تصویر یک فرعون روبه‌رو هستیم. اما جالب‌ترین بخش این نقش برجسته میزهای مذبح آن است. این میزها به‌صورت دو نیم ستون‌گلدان مانند هستند که روی هر کدام از آن‌ها دو دسته گل نیلوفر (لوتوس) قرار گرفته است. این گل‌ها به‌طرز عجیبی دارای شخصیت ویژه خود هستند، هر کدام از این دو دسته گل چون پیکره‌ای نشسته بر سطح میز مذبح‌اند که دست‌ها (برگ‌ها)ی خود را برای دعا و نیایش به‌سوی آتون برافراشته‌اند و دست‌های اشعه‌مانند آتون به‌سوی آن‌ها تمایل دارند. گویی قربانی‌ها و هدایای آخناتون گل‌های نیلوفر هستند نه دو جامی که فرعون در دست دارد. اینجا این بحث مطرح می‌شود که شاید نظر هنرمند و دیدگاه آخناتون، توجه به‌معنویت مراسم قربانی و ایشار



فرعون سسوستریس اول در برابر ایزدان

و تقدیم هدایا بوده، نه جنبه جسمانی و مادی آن. گویی گل‌های نیلوفر، روح و جنبه معنوی هدایایی هستند که فرعون در دست دارد و آن‌ها را به آتون پیشکش می‌کند. و در واقع آنچه که برای آتون مهم است ارزش معنوی و روح مراسم قربانی است نه اشیایی که جنبه نمادین دارند.

در همین بخش - بخش میزهای مذبح - دوباره اشاره‌ای لطیف و شاعرانه به مادی نبودن آتون و دریافت حسی و معنوی او از جهان ما، شده است. شاید بتوان گفت آن دست‌های طالب و آن گل‌های مطلوب، شاعرانه‌ترین، زیباترین و عادی‌ترین اثر هنری مصر باستان است و نماینده درکی متعالی و روحانی از مسأله پرستش، دعا، ملکوت و خداوند.

این میزها همچنین یادآور فرم مثلث و هرم هستند؛ گویی دو مثلث بر روی هم قرار گرفته‌اند:

یک مثلث متساوی‌الساقین در پایین و یک مثلث متساوی‌الاضلاع کوچک‌تر در بالا. $\Delta \nabla$ اصلاً فرم خود فرعون و ملکه و فرزندشان

نیز شبیه همین دو مذبح است: از کمر به پایین فرم مثلث بزرگ‌تر متساوی‌الساقین زیرین Δ از کمر تا خط ممتد شانه مثلث کوچک‌تر متساوی‌الاضلاع بالایی. ∇ . از ترکیب این دو، فرم میز مذبح به دست می‌آید. سرهای پیکرها نیز همان حالت ترد و شکننده گل‌ها را دارند که بر روی ساقه (به خصوص در خود پیکره فرعون) - گردن - سنگینی می‌کنند.

در پشت سر فرعون آخناتون، پیکره ملکه نفرتی‌تی به چشم می‌خورد که پیکره او به کهن الگوهای قدیمی‌تر وفادارتر مانده است. ظرافت، نرمش و انحنایهایی که در پیکره خود آخناتون به‌کار رفته در اندام ملکه چندان به چشم نمی‌خورد. به‌عنوان مثال ساق‌های پای ملکه نسبت به ساق پای فرعون ضخیم‌تر و استوارترند. اندازه پیکر ملکه تقریباً $\frac{1}{3}$ پیکره فرعون است و فقط تا کمر او می‌رسد. این امر تنها نماینده کوچک‌تر بودن مقام مادی و قدرت دنیوی ملکه نیست بلکه نشان‌دهنده پایین‌تر بودن مقام معنوی و جایگاه دینی او نسبت به فرعون نیز است. او هرگز نمی‌تواند به‌مقام و جایگاه معنوی آخناتون برسد. همچنان که قبلاً گفته شد، آخناتون تحت لوای مستقیم اشعه‌های هستی بخش آتون قرار دارد. اما پیکره ملکه فقط زیر سایه آتون قرار دارد و ارتباط مستقیمی با خود آتون ندارد.

نکته جالب توجه دیگر در پیکره ملکه نفرتی‌تی پوشش و آرایش خاص اوست. جمجمه ملکه نیز چون سایر اعضای خانواده سلطنتی کشیده است، موهای او از ته تراشیده شده و از کلاه‌گیس‌های متداول آن زمان برای پوشش سر استفاده شده.

پوشش ملکه لباسی است که در آن زمان در دربار آخناتون برای زنان رایج گردید، و آن لباسی است که زیر سینه‌گره خورده و از سینه به پایین آن باز است و تمامی شکم و ران‌ها و ساق‌ها از جلو نمایان است. استفاده این نوع پوشش در این نقش برجسته می‌تواند نماینده این واقعیت باشد که ملکه با لباس روزمره و مطابق مد روز در مراسم آیینی حضور یافته است. چهره ملکه دقیقاً همان خصوصیات آخناتون را دارد. اما اندام او آن پیچش و انعطاف مارگونه «فرعون آخناتون» را ندارد، و پرداخت و پرداز کمی روی پیکره او شده است. رابطه آتون با ملکه نیز همان رابطه قراردادی و سنتی است و از آن ارتباط معنوی و روحانی که میان آتون و آخناتون وجود دارد خبری نیست.

همچنین فاصله این سه پیکره از یکدیگر برابر نیست و فاصله فرعون و ملکه بیشتر از فاصله ملکه و دخترشان است. این مسئله تأکیدی مجدد بر مقام روحانی و برتر فرعون نسبت به دو پیکره دیگر است. برپای ملکه همان پاپوشی به چشم می‌خورد که فرعون به‌پا دارد.

پیکره دختر فرعون و ملکه نفرتی‌تی، تقریباً $\frac{1}{3}$ پیکر ملکه و $\frac{1}{2}$ پیکر فرعون است. آخرین شعاع آتون که مستقیماً به سمت دختر فرعون مایل است، دستی است مهربان و نوازشگر. در پرداخت چهره و اندام او تقریباً هیچ‌گونه پرداخت و تزئینی رعایت نشده و بسیار خلاصه و مختصر به اندام پرداخته شده است. اما با تمام خلاصه‌شدگی‌ها، پیکره مادینه او به‌خوبی نمایان و هویداست. او بسیار نزدیک به مادر و تقریباً چسبیده به او قرار دارد.

در دو سوی آتون (خورشید) نوشته‌های هیروگلیف به چشم می‌خورد که احتمالاً شرح اتفاقات نقش برجسته است. اما گذشته از معنای این عبارات و حروف تصویری مانند فرم‌های ابری پراکنده بر سطح آسمان هستند و به‌نوعی، در زیبایی بصری نقش برجسته تأثیر گذارند. به‌عبارت دیگر هنرمند از حروف و نوشته‌ها در راستای زیبایی معنوی نقش برجسته کمک گرفته

● مثلث حاوی رمزی است که ارزش علمی آن را امروزه ما فراموش کرده‌ایم اما خاطره‌ای از آن در ناخودآگاه ذهن ما به یادگار باقی مانده است.

است. و این حروف به‌ایجاد فضا در این تصویر کمک شایان توجهی کرده‌اند.

تکنیک ساخت این نقش برجسته نیز تا اندازه‌ای با دیگر نقش برجسته‌ها (مثلاً تصویر شماره سه) متفاوت است. در نقش برجسته آخناتون و خانواده‌اش دور هرپیکره کادربندی شده است و پیکره در همان محدوده خاص برجسته شده و تمامی اطراف نقش درآورده نشده است. این تکنیک باعث ایجاد نوعی سایه بر روی پیکرها می‌گردد که به جنبه روحانی و حالت خیال‌انگیز آن‌ها کمک می‌کند. به‌عنوان نمونه امتداد چین‌های لباس پیکره ملکه نفرتی‌تی در این فرو رفتگی به‌نحوی نمایان است، بدون آنکه در سطح کلی نقش برجسته تأثیری داشته باشد. اما در تصویر شماره سه فرم لباس فرعون سوسوتریس اول نقش بصری مهم و تعیین‌کننده‌ای را در نقش برجسته دارد و یکی از عناصر تصویری آن شده است. این ویژگی تکنیکی در فرم آتون (خورشید) نیز وجود دارد و حجم و سایه خاص و هم‌انگیزی را برای آن ایجاد کرده است.

همانطور که قبلاً نیز عنوان شد فرم حاکم بر این نقش برجسته «مثلث» است. اجزای مثلثی شکل این نقش برجسته را به‌طور تفکیک شده می‌توان به این ترتیب شمرد:

۱- فرم کلی تابش اشعه‌های آتون بر خانواده سلطنتی که از یک طرف میز مذبح شروع می‌شود و از سوی دیگر به دختر آخناتون محدود می‌شود.

۲- فرم کلی میزهای مذبح که هرکدام شامل دو مثلث معکوس بریکدیگرند.

۳- فرم هرکدام از گل‌ها.

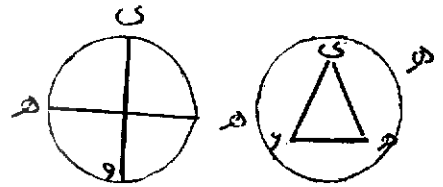
۴- فرم کلاه فرعون.

۵- فرم کلی پیکره‌های فرعون و خانواده‌اش که مانند میزهای مذبح شامل دو مثلث معکوس برآس یکدیگرند.

نزد مصریان مثلث رمز ترکیب و اتحاد مطلق

است که تمامی علوم به آن منتهی می‌شود. و نیز نماد «توت» رب‌النوع ماه که سرچشمه تمام نوشته‌های عرفانی، علوم خفیه یا نجوم و طب و مجموع تمامی هنرها بوده است. یونانیان توت را معادل Hermes Trismagistes یا به عبارت ساده‌تر هرمس می‌دانستند.

مثلت حاوی رمزی است که ارزش علمی آن را امروزه ما فراموش کرده‌ایم اما خاطره‌ای از آن در ناخودآگاه ذهن ما به یادگار باقی مانده است. این رمز که در مصر باستان فقط به اشخاص آگاه و مطمئن آموخته می‌شد و سپس توسط یهودیان و کولیان در سراسر جهان رایج گردید شامل چهار حرف ی ه و ه و ه است. شکل نمادین آن به دو صورت زیر ارائه می‌گردد:



«ی» نماد هستی، فاعل و من است. عنصر نر.
«ه» اول نماد نیستی، نامن و مفعول است. عنصر ماده.

«و» پیوند من با نامن. عنصر خنثی.
«ه» دوم انتقال از جهان ماورالطبیعه به جهان مادی یا انتقال از جهانی به جهان بعد از آن. در نزد مصریان باستان این مثلث حکم قانون را داشته و بالاتر از آن چیزی دیگری وجود نداشته.^۲
همانطور که دیدیم هنرمند این نقش برجسته به‌خوبی از نماد مثلث برای ترکیب‌بندی کل اثر خود استفاده کرده، و تجزیه تمامی فرم‌ها به‌مثلث نمادی است از حضور و دوام این کهن الگو در تک‌تک افراد، مراسم، ایمان و روابط متقابل انسان با خدا و تأثیر آن در فرهنگ و هنر این قوم.

خانواده فرعون در فرمی مثلثی که به‌وسیله انوار حیات‌بخش آتون ایجاد شده قرار دارند. آتون فاعل است، فرعون و خاندانش مفعول و قربانگاه نوعی پیوند میان فاعل و مفعول، معبود و بنده، خدا و آفریده‌اش.
همانطور که گفته شد مثلث نشانه خدا توت است. و یادآور علوم مختلف و هنرهای گوناگون به‌عبارتی بیانگر اینکه فرعون و خاندان او از آگاهی و بینش و هنرهای مختلف سیراب شده‌اند، و نیز نماد روحانیت و جنبه معنوی

آن‌ها، پس در جزء جزء این تصویر خدا، علم، هنر و ایمان مطرح شده و به‌ظرافت تمام خود را به‌ما نشان می‌دهند. انسان با دقت به این نقش برجسته صدها ریزه‌کاری را کشف می‌کند که در نگاه نخست شاید بی‌معنی و حتی معمولی جلوه کنند. اما این دریافت که هزاران سال قبل شخصی زندگی می‌کرده که توانسته با ظرافت و هنری خاص ایمان و احساس خود را بیان کند، امری تکان‌دهنده و هیجان‌انگیز است.

پی‌نوشت‌ها

- این مار که از محل قرار گرفتن چشم سوم، از کلاه فرعون بیرون می‌جهد غالباً به‌رنگ سبز است. و نشانه شهود و بیداری است و نماد روشن‌بینی و نشانه برترین اقتدار است. (تاریخ تمدن ویل دورانت؛ جلد اول فصل هشتم، بخش شاه زندیق).
- برگرفته از کتاب ثورا؛ ترجمه: سودابه فضایی - نشر نالت
چاپ اول: ۱۳۷۷ صفحه ۲۱ و ۳۴

انتشارات پیام امروز - نشر قطره

منتشر شد

خشونت سیاسی

دکتر ناصر فکوهی

در جست‌وجو

مرکز به‌منشن کتاب‌های انتشارات روشنی
ویستار، لومس، سنالی، زوبین، آگاه، صدوق
و کتب‌های روانشناسی، علوم سیاسی،
حقوق، ادبیات، هنر و...
تلفن: ۰۲۱۷۵۸۲۰۶۲۹، ۰۲۱۷۱۸۸۵

به‌زودی منتشر می‌شود

نام‌ها و نشانه‌ها

فرهنگ جامع نام‌های: فارسی، عبری،
عبری، آشوری، ارمنی، ترکی، کردی،
لری، طبری، گیلکی، خارجی (استادان) و
دیگر نام‌های محلی با اولگاری و
ریشه‌های
گردآوری محمد جمالی‌زاده

آموزش موسیقی

فاز، صد تار، سنتور، تنبک، نی، سلفژ
آهنگسازی، موسیقی کودک (آرفه)
تلفن: ۰۲۱۷۰۷۰۱۶